



۲۰۱۲/۰۸/۱۱



عبدالحكيم سامع

طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد! (قسمت شانزدهم)

طوريكه قبلاً تذكار يافت، پيشرفت طالبان در شمال، نه تنها مرز بندي هاي معين بين «جنگ سالاران» متعدد، تحت حمايت كشور هاي مختلف بر ملا گرديد، بلكه سهمگيري افراد جنگي خارجي، به گمان اغلب «اجيران»، در تحت نام «پيروان مذهبي»، درين زمان بر تنوع گروهها و تشديد اختلافات دروني افزود. با تفاوت از سالهاي آغاز «جهاد»، مستقيماً بعد از سقوط جمهوريت سردار محمد داوود خان در ۲۷ اپريل سال ۱۹۷۸ م، كه تا آنزمان برحسب علايم و «فكت» ها، منتفذين قبلي كه در «تنظيم ها» و گروه هاي مختلف، مواضع معينی را اشغال می نموده اند، ممكن بر حسب عادات و شيوة زندگي محلي قبلي آنها، هنوز درمجامع بين المللي راه نيافته بوده باشند.

علايم و شواهد بعدی نشان داده است، كه علاوه از ايجاد پيوند هاي خارجي آنها، خارج از احتمال هم نيست، كه از همان منتفذين محلي سابق هم در حلقات معلوم الحال بين المللي، الي ساختار «مافيايي» كه از راه هاي غير قانوني، زيادتر توجه به دريافت پول داشته اند، آهسته آهسته ارزش هاي اجتماعي و حتي افتخارات «ملي» را، مانند حلقات «افراطي»، «چپ و راست» فراموش نموده، پيوند هاي اجتماعي آنها، نيز تغيير نموده است. همچنان در مرحله آغاز «جنگ داخلي»، كه قريب همه، بخصوص گروه «سياف» بطور آشكارا هواداراني داشته است، كه گفته می شد، از كشور هاي عربي نيز در صفوف آنهاست، صفوف «طالبان» نيز در زمان حاكميت آن، بيشتر در تحت نام «شاگردان مدارس» پر می شده است، ولي خارجيان از ساير كشورها، كه ممكن ميراث از عمال تروريستي نيز نبوده باشند، شامل اين جمعي از اجيران بوده اند. تا سال ۲۰۰۱ ز وجود چنين تركيب خارجيان، فقط بشكل شايعات شنیده می شد و بيشتر بر «پاكستاني ها» محدود می ماندند. رسوايي ها بيشتر بعد از سال ۲۰۰۱ به صحنه مطبوعات رونماگرديد.



خبر رسائي «بي. بي. سي.»، روز چهارشنبه ۱۲ «دسمبر» ۲۰۰۱ م، مجموعه از عكس ها را به نشر سپرده و در پای هر عكس نوشته است، كه در جمله اسيران جنگي، خارجيان اجير زياد نيز شامل بوده اند. بدين ترتيب، نفوذ «بين المللي» افراطيون روز تا روز ارتقاء يافته، بي نظمي و بيگانگي از خاك، وطن و اجتماع فرهنگي ديرينه افغانها، افزايش نشان داده است.

در همان چارشنبه ۱۲ «دسمبر» ۲۰۰۱ م، همين خبر رسائي «بي. بي. سي.»، در صفحه «انترنت» آن بالای همين عكس مجموعی می نويسد، كه «صليب احمر» با هزاران زنداني مصاحبه داشته است. عكس پائيني، كه در شماره هاي قبلي نيز ديده شده است، يك تبعه امريكائي ۲۰ ساله است، كه در جنگ قلعه جنگي



د پانو شميره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
 يادونه: دليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ

مزار شریف، زخمی و بعد، شناسائی شده است. در همان حادثه یک افسر «سی. آی. ای.» که این تبعه در صف «طالبان» و «خارجیان» بر ضد قوای «دولتی امریکائی، انگلیسی» و «اتحاد شمال» می جنگیده است، کشته شده است. (عکس وسطیاز همین افسر امنیتی امریکائی (Johnny 'Mike' Spann) همان بخش است، که بحیث اولین تلفات نشان داده شده است. در عکس سه نفری یک تبعه «استرالیائی» هم دستگیر شده است، که در صف «طالبان» می جنگیده است.)

در حقیقت «روحیه» و عادت و کردار، آنچه قبلاً در جامعه افغانستان، ممکن بنام «حرکات و اخلاق طالب» شناخته می شده است، وجود خارجی نداشته، فقط یک سازماندهی بغرنج مخفی، «نظامی - استخباراتی» است، که زیرپوش این کلمه «طالب» به پیش برده می شود. بعنوان نمونه، اعمال «ترور» و «انتحاری» در تربیت و عقیدت اسلامی هموطنان ما جای نداشته است. همچنان نقش پاکستان، در امرسازماندهی و رهبری این حلقات در تحت نام «طالب»، یک «راز» بیش از آشکاراست. در طی سی سال اخیر، یعنی در سالهای بحران افغانستان، در مراحل مختلف، بخصوص پس از ورود قوای شوروی، پاکستان بهترین زمینه های مداخله را در امور و سرنوشت افغانستان، بحیث یک دولت و سرزمین بدست آورده است، که تا همین امروز، به اشکال و صحنه سازی های مختلف ادامه میدهد.

وقتی در شرایط سالهای بیش از یک دهه می بینیم که در حلقات حاکم نظامی و استخباراتی پاکستان، در برخورد با «طالب»، فرق میان، «طالب پاکستانی» و «طالب افغان» قابل اند، در برخورد با «طالب پاکستانی» گاهی «می جنگد» و گاهی «آتش بس» عقد می شود، ولی در وجود «طالب افغانی»، چنان منافع دائمی خود را در جهت قلمرو افغانستان و دور از آن بسوی مراکز انرژی آسیای میانه، می بیند، که در حقیقت خود را حامی منافع آن گروپ معرفی نموده، مسئولین امور در پاکستان بصراحت اظهار می دارند که صلح در افغانستان، یا «صلح با طالبان»، بدون پاکستان ممکن نمی باشد. فریب سی سال قبل، در زمان حضور قوای شوروی در افغانستان، مذاکرات غیر مستقیم با افغانستان، تحت نظارت و وساطت ملل متحد، به پیش می برد. در حالیکه جنگ در افغانستان ادامه داشت، پاکستان در آنزمان، برای کسب امتیاز برای خود از نام همان «مجاهدین» و «مهاجرین» کار می گرفت، که حال در صفوف آنها، مخالفین خود را هم می بیند. با سازماندهی طالب، در برخورد خود، با «مجاهدین سابق» همکار آنها، تغییر رویه نموده است. در یک گزارش «تحلیلی»، در منابع «بی. بی. سی.»، که تحت عنوان: «**نسلی فراموش شده، با آینده ای مبهم: مهاجران افغان در پاکستان**»، بدست نشر سپرده شده است، با باز نمودن «لینک» ذیل و مطالعه آن، تصویری را بدست خواهند آورد.

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/08/120808_s-afghans_in_pakistan_sana.shtml

اما اینکه، استخبارات پاکستان، تا چه حد، رهبران «جهادی» و «رهبران سیاسی» فعلی افغانی را در «مشت دارد»، بر ملا نساخته است. ممکن تا بحال، نیازی به استعمال، آخرین «کارت» را، در رویدادهای فعلی ندید باشد. وقتی به طرز العمل، رهبران فعلی افغانستان توجه شود، در افغانستان چنان حالت مسلط است که بیشتر ازین بنفع مغرضین در اطراف افغانستان، تصور شده نمی تواند.

«طالبان» بر اساس «جهتگیری مذهبی» و ارتباطات حلقات و سازمانهای «جهادی» با پاکستان، در روابط، افغانستان با کشورهای منطقه، چنان تغییراتی را بوجود آورده اند که در حقیقت، تمام پیوند های معمول عنعنوی رژیم های گذشته را، با کشور های جهان و منطقه، پایمال نموده اند. در حالیکه مسائل زمان استعمار، با پاکستان نازل شده باقی مانده بود، «طالبان» با روابط «وابسته» با «پاکستان» از رهبر «حزب اسلامی»، گلبدین حکمتیار هم، چندین قدم پیشتر برداشتند. حکمتیار در آنزمان، برای فراموش کردن، «میراث استعمار» پیشنهاد «کنفیدراسیون» را بین افغانستان و پاکستان مطرح ساخته بود. تفصیل این موضوع، ایجاب گنجایش و بحث وسیعتر را، می نماید.

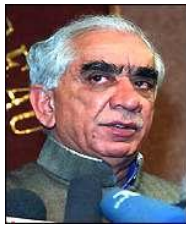
درین شرایط، شکایات و اعتراضات رهبران «اتحاد شمال»، که زمانی در پاکستان اقامت داشته اند، حال علیه پاکستان، شنیده می شود. آنکشور را مکرراً در حمایت از «طالبان»، نیز بیان می نمایند. «برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی» و مسئولین «شورای نظار»، متحد گروپ «هفتگانه»، مستقر در پیشاور در جریان «سالهای جهاد علیه قوای شوروی»، برجسته تر به اعتراض علیه پاکستان می پرداخت. به هر پیمانۀ که تقاضا های امریکا از طالبان، مبنی بر تسلیمدهی، «متهمین به اعمال ترور» بالا می رفت، به همان پیمانۀ، حلقۀ افراطی درون «جنبش

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

طالبان «عمیقتر با «القاعده» نزدیک گردیده، نفوذ روز افزون افراد جنگی «القاعده»، در صف «طالبان» بشمول سایر «اجیران» محسوس بوده است.



موازی با حرکات «گروپ های معلوم الحال» افراطی که در تشکل سازمان «القاعده» فعال بوده اند، در اواخر سال ۱۹۹۹، فعالیت های گروپ های «کشمیری»، ازین فضا و امکانات استفاده اعظمی نموده، احتمالاً از اختلافات هند و پاکستان و «زور آزمائی» دو کشور مالک سلاح «ذروی»، درین منطقه، کار گرفته باشند. با «ربودن طیاره مسافر بری هند»، که در قسمت های قبلی، قسماً معلومات داده شده است، به آزمایش های معین، جنگ های مخفی دست برده، بشمول رهائی «فعالین زندانی آنها در زندانهای هند»، به امتیازات و شهرت در قابلیت انجام، همچو «اعمال تروریستی»، با استفاده از امکانات در ساحه «طالبان» نیز، نائل آمدند. صرفنظر از آنکه «طالبان»، اسناد «شکلی» زیادی در دست داشته اند، که گویا به فرود آمدن طیاره هندی، بنا بدرخواست، حکومت هند، این کار را کرده اند، ولی اگر «طالبان در افغانستان، نمی بودند، شاید این عمل «طیاره ربایان»، آنقدر نتیجه مثبت برای آنها بدست نمی داد. آنها، تا این حد، این حادثه را در ذهنیت عامه پخش نمی توانستند. از دید مقامات هندی، دست داشتن رژیم پاکستان، در حادثه بیشتر گمان می رفت.

«بی. بی. سی.»، بتاريخ ۲۹ دسمبر ۱۹۹۹، در تحت عنوان «تحلیل» می نویسد: «گرمی های هند به جهت طالبان». به ادامه علاوه می کند: «ربودن طیاره هند در افغانستان؛ معنی آن بوده است که هند باید مستقیماً با اداره طالبان معامله نماید، تا بمثابه یک بخشی از تلاش ها، رهائی «گروگانان» را مصئون به انجام رساند.» اینرا همه می دانند که «زبان دیپلماتیک» و «احتیاط» در حرف و عمل، مأموران دولتی، نقش اساسی داشته می باشد. تحلیلگر تذکر می دهد، که «مناسبات بین دو کشور در سالهای اخیر گرم نبوده است. دهلی خود نا متمایل بوده است که طالبان را بحیث حکومت مشروع در افغانستان برسمیت بشناسد. لیکن حال بعضی علایم نشان می دهد که بحران گروگان، فرصتی را برای هر دو کشور بدست داد، تا روی اختلافات خویش به مصالحه پردازند...»

(در پای همین عکس، وزیر خارجه هندی خوانیم: «جسوانت سینگ» (Jaswant Singh)، تلاش های طالبان را تقدیر نموده است.)

وقتی از وی سؤال می شود که «آیا ممکن است هند طالبان را در صورت ختم مؤفقتانه گروگانان برسمیت بشناسد.» بجواب می گوید: «چنین موضوع در یک وقت دیگر مطرح شده می تواند.»

در همین «تحلیل» بی اعتمادی هند، نسبت به طالبان را، بعلت بیوند ها و روابط آنها با حکومت پاکستان، می داند. با نشر عکس «برهان الدین ربانی»، در پای عکس او می نویسد؛ که هند از برهان الدین ربانی حمایت می نماید. همین گزارشگر علاوه می کند: «حتی همین امروز واهمه در بین بعضی از مقامات رسمی هند، باقی مانده است، که اعضای طالبان توسط پاکستان جمع شده اند، تا در شورشهای کشمیر بچنگند.»

برعلاوه از «فکت» های معین که در قسمت های قبلی یاد شده است، چون مقامات هندی بعد از آنها، اسناد و «مدارک» منتشر می ساخت، جنرال پرویز مشرف، فارغ از فشار «اذهان» عامه جهان در رابطه با «تروریسم»، نبوده است. چنانچه بنابر روابط دیرینه و همچنان مناسبات عمیق بین دو دولت پاکستان و اضلاع متحده امریکا، «بی. بی. سی.»، بتاريخ ۲۵ «جنوری» ۲۰۰۰ م، از یک کنفرانس مطبوعاتی «کلتن» (Clinton)، خبر می دهد که گویا گفته است: «شواهدی در دست نیست که پاکستان در حادثه طیاره ربائی دست داشته بوده باشد.» گمان می رود که بنابر ملحوظات خواسته باشد، تا فشار را بر پاکستان کمتر سازد.

لیکن «جیمز روبین» (James Rubin)، سخنگوی دولت، در همین گزارش گفته است که «ما برای مدتی، بر مبنای حقایق که نمایندگی های حکومت پاکستان، کمک های عمومی بیک تعدادی از گروپ های فعال در کشمیر، بشمول حرکت المجاهدین می رسانیده اند، نگران بوده ایم.»



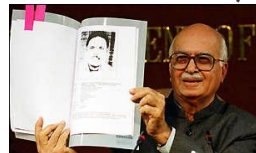
در همین راپور با تکیه بر گزارش «نیو یارک تایمز»، روز سه شنبه می نویسد که مقامات امریکا برین عقیده اند که گروپ تحت حمایت پاکستان – حرکت المجاهدین این ربودن را به پیش برده است. انجام این «گروگانگیری»، با رهائی ۱۵۰ نفر گزارش یافته است. در بدل ۳ نفر از جنگجویان از زندان های هندوستان رها یافته اند. در گزارشات قبلی گفته شده است، که یکنفر بقتل رسیده است. بر طبق منبع «نیویارک تایمز»، «مأمور رسمی» اداره «کلنتن» از

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

رهبر نظامی پاکستان، «جنرال پرویز مشرف»، تقاضا بعمل آورده است، که بر گروپ مورد نظر، ممنوعیت وضع کند. منبع می نویسد، که کوششهای امریکائی رد گردیده است. باید بنابر همین رد بوده باشد، که «کلنتن» در دور سفر به جنوب آسیا، در اواخر مارچ از پاکستان دیدن نمی نماید. در پای عکس مشرف می خوانیم: «جنرال مشرف: تقاضا شده است، تاگروپ جنگجو را ممنوع سازد.» «نیویارک تایمز» مدعی شده است که در درون «پنتاگن» (وزارت دفاع) و «نمایندگی استخبارات مرکزی»، «سی. آن. ای»، مقاومت های قابل ملاحظه، در باره مفکوره شامل نمودن پاکستان در «لیست»، بحیث «دولت تروریست» وجود دارد. دلیل آنها، برین است، که پاکستان در جریان سالهای اشغال افغانستان توسط شوروی، به اضلاع متحده کمک کرده است. در همین منبع همچنان آمده است: «هند، پاکستان را به مداخله مستقیم در ربودن متهم نموده، ولی پاکستان آنرا رد می کند»



در این عکس، «ال. کی. ادوانی» (L. K. Advani)، وزیر داخله وقت خبر می دهد، که چهار نفر را به ارتباط «ربودن طیاره» بازداشت می نمایند. بعنوان نمونه این عکس را، که «بی. بی. سی.» نشر نموده است، بنمایش می گذارد: در پای عکس می خوانم: «ادوانی» (L. K. Advani)، عکس یک مرد را که بعنوان «طیاره ربا» شناخته شده است، نشان می دهد.

روز شنبه مطابق اول جنوری ۲۰۰۰ م، «بی. بی. سی.» خبری را به این عنوان منتشر می سازد: «کروگانگیران بلاخره گروگانان را رها نمودند» در عین زمان این عکس را منتشر ساخته اند. در پای



عکس گفته شده است که «کروگانگیران»، تقاضای رهایی جنگجویان کشمیری را نموده بودند.

سالهای پس از ۱۹۹۹ م مسایل از جهات مختلف پیچیده تر شده می رفت. دشواری های زندگی برای مردم روزتا روز به بدتری می گرائید. منابع خبری «بی. بی. سی.» تاریخ 4 فبروری خبر داده است، که «سازمان ملل متحد دوباره به افغانستان بر میگردد.» در گزارش از مواصت یک هیئت سازمان ملل، بعنوان علامت بازگشت کارمندان و پرسونال که شش ماه قبل بیرون کشیده بود، به کابل خبر می دهد. سازمان ملل متحد در ماه آگست، بعد از فیر راکت های امریکائی بر «قرارگاه های» افراطی «اسلامی اوساما بن لادن»، «پرسونال خود را» «بیرون» کشیده بود.

در یک گزارش «بی. بی. سی.»، مؤرخ ۱۱ جنوری ۲۰۰۰ میخوانیم: «دختران افغان به آینده بی سوادی روبرو اند.» درین عکس دختران خوشبخت را عکاسی نموده اند، که پدر آنها عبدالله نام دارد، چون شخص تعلیم یافته است، دختران



خود را سود خواندن و نوشتن می آموزاند، زیرا «جنینش طالبان بنیادگرای اسلامی، مکاتب دختران را مسدود نموده، معلمات را از تدریس و سایر زنان را از کار در خارج خانه منع ساخته اند.» بهر صورت، بعضی ها، «قواعد را زیر پا می کنند»، تلاش می نمایند، تا دختران خود را زمینه تعلیم «خانگی» برابر سازند. این پدر تعلیم یافته، که در فامیل بزرگ اش، صاحب پنج دختر برابر به، سن مکتب می باشد و میخواهد دخترانش هم، مانند خود او، از تعلیم بهرمنند شوند. برای او این امر روشن است، که چنین تعلیم نمی تواند، جای تعلیم رسمی را بگیرد.

خبرنگار از زبان عبدالله نام نقل می کند که اظهار داشته است: «من در برابر اطفال خود مسئولیت دارم، تا تعلیم ببینند. بناءً مکلف هستم تا همه قربانی ها را تحمل نمایم.» او در عین زمان از عدم توانائی پولی خود سخن گفته است، نمی تواند، به فرزندان خود، زمینه تعلیم در خارج را مساعد سازد. در همین گزارش همچنان، عکس زنان افغان را در یک «کمپ مهاجرین» در پاکستان، به چاپ رسانیده است، که مشغول «آموزش» زبان انگلیسی بوده اند. در عین زمان تذکر بعمل می آورد، که «پاکستان» برای بسیاری فامیل های افغان محدودیت ایجاد می نماید، که دختران خود را بخارج برای تعلیم بفرستند. (عکس ها از صفحه «انترنت بی. بی. سی.» در همین گزارش از زبان یک خانم افغان، که مشغول تدریس در پاکستان، یاد نموده است، می نویسد: «ما احتیاج به انجام وظیفه داشتیم، تا کمی پول بیابیم، لیکن آنها (طالبان) برایم اجازه نمی دادند.» به ادامه از حرف های این خانم افغان همچنان می نویسد: «وقتی همه چیز بر ما



ممنوع بوده است، وقتی آنها برای کار در افغانستان اجازه نمی دادند، دیگر برایم خیلی مشکل بود. من نیاز داشتم به بازار بروم، ولی آنها برایم اجازه نمی دادند.»
خانم افغان بر علاوه گفته است: «برایم خیلی دشوار بود که خانه بنشینم و در هیچ جایی کار نکنم، به همین دلیل فامیل ام را وادار ساختم که اینجا بیائیم.»

بر اساس معلوماتیکه خبرنگار از حلقهات خارجی و مؤسسات «خیریه» بدست آورده می نویسد که همه مؤسسات «خیریه» از ناحیه رد «طالبان» در امر «افتتاح» مکاتب «دختران»، پراکنده و نگران اند، که پس از ۲۰ سال جنگ، ۵۰ فیصد نفوس بی تعلیم به جا خواهد ماند، که دوباره انکشاف کشور را، تحت تأثیر منفی قرار خواهد داد.

وزیر خارجه طالبان بجواب سؤالیکه، حکومت او چگونه توجیه می نماید، که زن ها را از تعلیم منع می دارند. او بجواب مدعی می گردد که در پرنسیپ مخالف تعلیم دختران نمی باشند، ولی تأکید ورزیده است که «جنس باید از هم جدا شوند.»



گزارشگر در رابطه اظهارات وزیر خارجه بتفصیل می نویسد که: «عمارت های کافی در اختیار نیست»، زیرا طوریکه وزیر ادعا نموده است، یکتعدادی از مکاتب ویران گردیده است. بناءً نمی توان دختران را جابجا ساخت. او به حرف هایش ادامه داده گفته است که: «ما می خواهیم مکاتب را دوباره اعمار کنیم. در هر دو، یعنی در ساحات شهر و ده. تمام این مکاتب و «کالج ها» را فعال می سازیم. بشمول مکاتب و مدارس مساجد.» باز بهانه پراگنی نموده، ادا می نماید که «ما به آمادگی پلان برای اعمار ضرورت داریم. بشمول عمارت های ویران شده. ما کتب درسی آماده می سازیم. ترانسپورت و تمام این چیز ها، به حمایت نیاز دارد.»



در شماره های قبلی تذکر رفته است که «گروگانگیری» و یا اختطاف طیاره هند، مدت هشت روز، دوام کرد. «کیتا کلارک» (Kate Clark)، نمائنده خبری «بی.بی.سی.»، بتاريخ ۳۱ جنوری ۲۰۰۰م از کابل گزارش می دهد، که «طالبان بسوی واسطه ها باز می شود» تحت این عنوان می نویسد، که مقامات طالبان در افغانستان به ایجاد دفاتر برای فعالیت های شبکه «تلویزون سی.ان.ان.» و شبکه «تلویزون الجزیره»، اجازه داده است. همین خیر نگار در پای این عکس می نویسد که: «طالبان می خواهند، تصویر خودها را بهبود ببخشند.»

همین خبر نگار از «باز» شدن «طالبان» بسوی واسطه ها یا «میان» ها در ماه های اخیر، شهادت می دهد. با نشر این عکس وزیر خارجه جدید، همچنان بصراحت، بعنوان نمونه از «باز» شدن، نام می برد.

ختم قسمت شانزدهم
ادامه دارد